

میدون و سوفیا

عادل یا عاطل و باطل؟

مسئله این است



پوریا عالمی

- سلام سوفیا. عادل هم از تلویزیون رفت. - یعنی الان هرکی تلویزیونه عادل نیست؟ تیکه طریفی انداختی.
- درباره بیرون‌کردن عادل از تلویزیون، تحلیل تو چیه؟

: ببین، اینها اول نظرسنجی کردند ببینند محبوب‌ترین مجری تلویزیون کیست، بعد آن کسی را که رای آورد، انداختند بیرون!

- خب؟
: همین دیگه. این‌طوری تلویزیون یکدمست می‌مونه و توقع مردم زیاد نمیشه.

- خب؟
: اگر دقت کنی، همین الگو را در جاهای دیگه هم پیاده کردند و جواب داده!

- مثل چی؟
: بین مثلا توی سینما بهرام بیضایی و ناصر تقوایی را دیدیم خوبند، گذاشتیم توی کشو که تو بمانند، الان سطح سینمایی ما شده چهارچنگولی و رحمان ۱۴۰۰. یا توی موسیقی شجریان دیدیم خوب است، گذاشتیمش بالای طاقدیس، جاش کم مانده بود تلو بیاد. این‌طوری چه حسنی دارد؟ توقع جامعه زیاد نمی‌شود؛ یعنی مردم جای اینکه کارها را با بیضایی مقایسه کنند، با دهنمکی مقایسه می‌کنند.

- چه تحلیل عمیقی کردی میدون دوم، حالا جریان عادل فردوسی‌پور چه می‌شود؟

: هیچی! این همه وقت مجری و کارشناس برنامه‌های سینمایی شد مسعود فراسنی، آب از آب تکان نخورد. حالا هم جای عادل، یک عاطل‌وباطل را شاخ کنند. فرقی می‌کند؟

- وای میدون دوم، چه تحلیل‌هایی می‌کنی تو! این‌طوری تحلیل کنی عاشقت می‌شوم‌ها!
: ای شیطان‌بلد.

پرنده آبی

عکس، سفر، گریز

فردین علیخواه به عنوان یک جامعه‌شناس که بیشتر نظرات خود را در کانالش منتشر می‌کند، این بار به ابعاد دیگری از رفتار انسان‌ها در سفر اشاره می‌کند؛ به حجم بالای عکس گرفتن فرد از خود: «خیلی از آدم‌ها این روزها مدام از لحظه‌های سفرشان عکس می‌گیرند. ساعت به ساعت و دقیقه به دقیقه؛ عکس و عکس و عکس پشت سر هم، یک، دو، سه، چیک! هم صفحات فید و هم استوری اینستاگرام مملو از عکس‌های سفری است که آغاز کرده‌اند. ۳۰ عکس برای یک روز. جاده، آسمان، دشت، مرتع، غذا، شکوفه، رنگین‌کمان، یاها در کف رودخانه و... در تمامی این عکس‌ها گیرنده عکس در مرکز عکس قرار دارد. سفر در حاشیه و کانون سفر خود عکاس است. جهان به گرد من می‌چرخد! در سفر، آدم‌ها کم می‌شوند ولی در این سفرها آنان مدام پیدا می‌شوند. پرسش آن است که این حجم از انتشار عکس را باید به عنوان ویژگی زندگی امروز پذیرفت و با آن کنار آمد و سرزنشش نکرد یا آنکه این عکس‌ها نشان‌دهنده تنهایی آدم‌هاست. آدم‌های امروزی دیگر با سفرهای دو، سه یا چهار نفره خانوادگی ارض‌نما نمی‌شوند. دلشان جمعیت می‌خواهد جمعیت. دوست دارند دور و برشان شلوغ باشد ولی نیست. نه، این هم نیست. دوست دارند مدام بر روی صحنه باشند. صحنه‌ای که دیگران به آنان نگاه کنند و با لایک تأییدشان کنند. اگر ایده «زندگی به مثابه صحنه» را انتخاب کرده‌ایم دیگر چه فرقی می‌کند که در سفر باشیم یا در خانه. فقط جایی باشد که برای ما نقش آتلیه را ایفا کند. قطعاً مسافری که روزی ۳۰ عکس از طریق اینستاگرام منتشر می‌کند حداقل سه ساعت برای عکاسی وقت صرف کرده است. خواندن کامنت‌های دوستان «مرسی عزیزم» نوشتن آن‌ها هم به این زمان اضافه کنبد. در این وضعیت معنای تجربه سفر چیست؟ چه مگاشقه‌ای در این تیپ سفرها رخ داده است؟ کدام گریز از زندگی روزمره به وجود آمده است؟ آیا عکس‌گرفتن و چک‌کردن کامنت‌های دوستان، خود جزئی از همان زندگی روزمره‌ای نیست که مسافر از آن گریخته است؟ در برخی از کشورها حرکت‌هایی آغاز شده است که در آنها تلاش می‌کنند تا حرص و ولع برای عکس‌گرفتن و انتشار آن را خشن کنند. خویشن‌شناسی در سفر با چنین کنترلی معنا می‌شود. سفری بدون توجه به خویشتن در عکس! کم‌شدن کامل در دل جاده. متأسفانه این روزها تعریف‌کردن از سفر هم از معنا تهی شده است. ما قبل از آنکه به خانه برسیم سفرمان را برای دیگران تعریف کرده‌ایم. به همین دلیل آدم‌ها دیگر کمتر درباره سفرهایشان با هم حرف می‌زنند. ما قبل از رسیدن به خانه چمدان سفر را باز کرده‌ایم! برخی در سفر متوجه می‌شوند که چه چیزهایی ندارند. در سفر می‌فهمند که چه چیزهایی را از دست داده‌اند. سفر، ندانسته‌هایشان را به یادشان می‌آورد. برخی در سفر می‌فهمند که چه چیزهایی دارند که قدرش را نمی‌دانند. در سفر دلشان برای خانه‌شان تنگ می‌شود. در سفر می‌فهمند که انتخابی جز از آنچه از آن گریخته‌اند ندارند. باید بروند و دوباره خودشان را لای چرخ‌دهنده‌ی درحال‌گردش شهر گم کنند».

روزنامه شتر

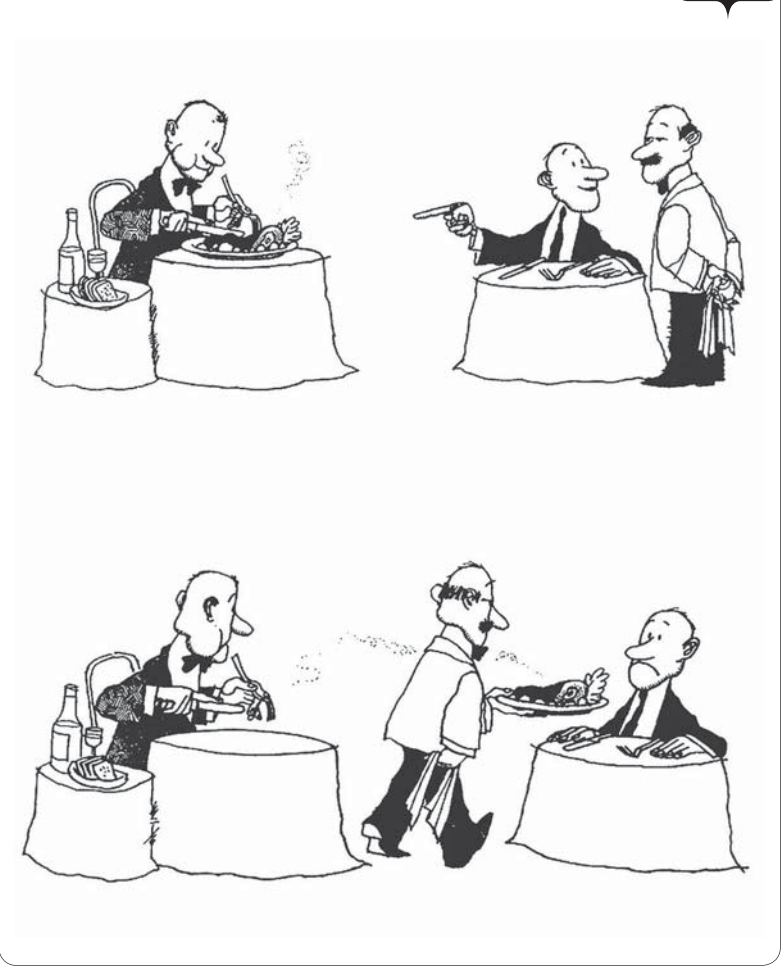
سه‌شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۹۸ • ۲۰ شعبان ۱۴۴۰ • ۹ آوریل ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۹۸ • صفحه ۱۶ • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۱۹:۵۱ • اذان صبح فردا ۵:۱۲ • طلوع آفتاب ۶:۳۹

روزنامه‌فردا



کینو

کارتون خواب



دور دنیا

آیا روبات‌ها جای روزنامه‌نگاران را می‌گیرند؟

روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی با عنوان ظهور «روبات-خبرنگار» به پدیده نسبتاً تازه‌ای که در سه سال اخیر در عرصه روزنامه‌نگاری سراسر جهان رو به گسترش است، پرداخته؛ پدیده استفاده از هوش مصنوعی و همچنین خبرنگار روباتی هلیوگراف که این روزها بسیاری از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های بین‌المللی مانند خبرگزاری آسوشیتدپرس، رویترز، یاهو ورزشی و روزنامه‌های نیویورک‌تایمز و واشنگتن‌پست برای تولید محتوای خبری از آن بهره می‌گیرند. بخش‌هایی از این گزارش را می‌خوانیم.
روزنامه‌نگاری با محتوایی که ماشین آن را تولید می‌کند، رو به گسترش است و خبرنگاران و سردبیران نشریات دیجیتال نیز مانند مطبوعات سنتی چایی تصور می‌کنند از قربانیان آن خواهند بود. در حدود یک‌سوم از محتوایی‌که خبرگزاری بلومبرگ منتشر می‌کند، از نوعی فناوری خودکار استفاده می‌شود. سیستم استفاده‌شده در این خبرگزاری از شرکت «سایبورگ» گرفته شده که خبرنگاران می‌توانند به کمک آن هر فصل و هزاران مقاله گزارش درآمد شرکت را خلاصه و تبدیل به گزارش کنند. این برنامه می‌تواند زمان تهیه یک گزارش مالی را به اندازه یک لحظه کاهش بدهد و برخلاف خبرنگاران حوزه تجارت نه به زمان استراحت نیاز دارد و نه شکایت می‌کند. سایبورگ با این سیستم بی‌نظیر و دقیق، به بلومبرگ در رقابت با رویترز، رقیب اصلی آن در حوزه روزنامه‌نگاری امور تجاری مالی کمک می‌کند و همچنین فرصتی برای رقابت با رقبای جدید و تازه‌نفس در مسابقه سرعت اطلاع‌رسانی فراهم می‌آورد. جان میکلتویت، سردبیر بلومبرگ، می‌گوید: «بازارهای مالی در این حوزه از سایر زمینه‌ها جلوتر هستند». علاوه بر پوشش درآمد شرکت برای بلومبرگ، خبرنگاران روباتی تولیدکننده محتوای مقالات لیک بیسال آسوشیتدپرس، فوتبال دبیرستانی برای واشنگتن‌پست و زمین‌لرزه‌ها برای لس‌آنجلس تایمز بوده‌اند. نسخه استرالیای روزنامه گاردین نیز به‌تازگی اولین مقاله نوشته‌شده با کمک ماشین خود را منتشر کرد که یک گزارش از کمک‌های سالانه سیاسی به احزاب سیاسی آن کشور بود. فوربس نیز اخیراً اعلام کرده است که ابزارآییشی به نام برتی را در اختیار خبرنگاران می‌گذارد تا پیش‌نویس مقالات و قالب‌های گزارش را با آن تهیه کنند. هوش مصنوعی به بخشی از جعبه ابزار این صنعت بدل شده است؛ اما مدیران حوزه روزنامه‌نگاری معتقدند این ابزار، تهدیدی برای کارکنان و نیروهای انسانی نیست. برعکس، انتظار می‌رود روزنامه‌نگاران با استفاده از آن زمان بیشتری بایند تا صرف کارهای اساسی کنند.
لیزا گیزز، از مدیران آسوشیتدپرس، می‌گوید: «روزنامه‌نگاری کاری خلاق است، وابسته به

سیل بزرگ سراسری نوروز ۹۸ در ایران، مانند شوکی بزرگ دولتمردان را گویی با نوعی احساس گناه در شرایطی تدافعی قرار داد. هر جناح برای جلب اعتماد جریحه‌دارشده عمومی، می‌کوشیدند و می‌کوشند ضمن به‌ر‌کشیدن توانمندی خود و خواب‌آلودبودن جناح مقابل، تا کمر و بیش از آن در آب فرو روند تا ثابت کنند که در فداکاری در انجام وظایف یا فوق‌وظایف خود کم نگذاشته‌اند. اما شاید دیر به این فکر افتاده‌اند.

می‌گویند مطبوعات رکن چهارم دموکراسی هستند؛ یعنی بلندگوی جامعه‌اند و نقاط ضعف را مطرح می‌کنند و به رخ می‌کشند و دولتمردان را به فکر درمان می‌اندازند. اما، فقط سانسور نیست که رکن چهارم را به چرخ پنجم تبدیل می‌کند، نادیده‌گرفتن هم نوعی سانسور است؛ یعنی نادیده‌انگاشتن مقولاتی هم که جان به‌در می‌برند و مطرح می‌شوند که انکار به قول قدیمی‌ها بگویند: «بنویس خطت خوب شه».

در دهه ۱۳۶۰ در گردشی با دوستان در کوه‌های بالادست نور در حاشیه خزر، وارد جنگلی بکر با درختان عظیم سر به فلک‌کشیده شدیم که گروهی مقتدرانه و با اره برقی مشغول انداختن آنها بودند. از چندوچون که پرسیدیم، دیدیم در تیول فلان جای خاص بود و ساکت ماندیم. آثار آن در سال‌های بعد در فراگیرشدن سیل‌ها در دامنه‌های همان کوه‌ها مگر آشکار شده و منعکس هم شده است. اما آیا در میان مقامات تا کمر در آب، خواننده‌ای هم داشته است؟ خود من در ۲۶ خرداد ۹۴ در «گردن» که آن زمان ضمیمه «اعتماد» بود، نوشتم: «... نکته مورد نظر ما در اینجا فاجعه جنگل‌زدایی است که نیاز به تولید و مصرف چوب

قصه‌های شهر

در همین نزدیکی کوچه مالی پیداست!



گیتیی صفرزاده

یکی از سرگرمی‌های موردعلاقه‌ام بازی با کلمات و پیداکردن ریشه آنهاست. در طول سال‌ها پیگیری این سرگرمی متوجه شده‌ام که ریشه بسیاری از کلمات ربطی به ادبیات ندارد، بلکه از شرایط اجتماعی بیرون می‌آید. یک نمونه‌اش همین کلمه «مال» که هیچ ربطی به آن کلمه مال انگلیسی‌که معنای مرکز خرید-تفریحی می‌دهد ندارد، بلکه مستقیماً از اصطلاح فارسی مال‌ومال مشتق شده است. اگر دقیق‌تر بخواهم توضیح بدهم، یعنی این ساختمان‌های غول‌پیکری که در چندسال اخیر در هر گوشه شهر دیده می‌شوند، معنی‌هایی از این روایت هستند. پشت هر تصویر زندگی انسان‌ها و تجربیات آنهاست که هرگز نباید از آن چشم پوشید. اما این تصویر کامل نیست، واقعیت این پدیده و ریشه‌های آن بسیار متفاوت است. داستان مهاجرت آفریقایی‌ها باید بازنگری شود. این فقط دل‌مشغولی ساکنان آفریقا نیست و لازم است در برابر قحطمان مخربی که در جهان رواج دارد و تصویری تحریف‌شده و غیرسازنده را برای تحریف واقعیت تحمیل کرده است، مقاومت کنیم. بدون شک، روایت تحریف‌شده منجر به اتخاذ سیاست‌های نادرست می‌شود. بر خلاف باور عمومی، در مدت تقریباً ۳۰ سال میزان مهاجرت در سطح جهان فقط اندکی افزایش داشته است و از ۲۰۹ درصد از جمعیت آفریقا در سال ۱۹۹۰ به ۳۰۴ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته است. الگوهای مهاجرت ممکن است تغییر کرده باشد اما افزایش قابل‌توجهی در میزان مهاجران رخ نداده است. مهاجران آفریقایی فقط ۱۴ درصد از جمعیت مهاجران در سطح جهان را تشکیل می‌دهند و تعدادشان به‌طور قابل‌توجهی کمتر از مهاجران آسیایی است که ۴۱ درصد از این جمعیت هستند یا اروپایی که بالغ بر ۲۴ درصد می‌شوند. در واقع، در سال ۲۰۱۷، تعداد افرادی که از مهاجرخیزترین ۱۰ کشور آفریقایی به اقصی نقاط جهان رفته بودند، کمتر از مهاجرانی است که از مراکز به ایالات متحده رفته‌اند. مبدأ و مقصد بیشتر مهاجران آفریقایی نیز خاک همان قاره است. با این حال، مهاجرت احساسات شدیدی برمی‌انگیزد: این پدیده با بدبینی نسبت به افراد متفاوت و خصومت با افراد خارج از گروه «ما» عجین بوده است. شاید در عصر اخبار جعلی و اطلاع‌رسانی غلط عمدی، تحریف اخبار در حوزه مهاجرت بیشتر هم باشد. در سال‌های اخیر، این مسئله برای اهداف سیاسی در سراسر جهان مورد سوءاستفاده قرار گرفته است.

خبر نبیند هرکس که فکر کند این بحث کاملاً فنی، تخصصی و جامعه‌شناسانه‌ای که در اینجا مطرح کردم صرف مزاح بود. یعنی من هم در انتهای سال گذشته وقتی خبر و واگذاری مجوز ساخت‌وساز در ۶۲ باغ تهران به بخش خصوصی (الله اعلم‌البخش‌الخصوصی!) را شنیدم، فکر کردم شوخی بوده، اما بعد که متخصصان و دلسوزان شهری شروع به اعتراض کردند، فهمیدم ماجرا خیلی هم جدی است و همین روزهاست که چندتا مال و برج از وسط باغ‌های تهران بیرون بزنند. حالا پرونده مربوطه بین عاشقان کوچه‌باغ‌ها و سینه‌چاکان کوچه‌مال‌ها در حال بکش و واکش است. خدائدن تا ما سرمان به مصیبت سیل گرم است، این یکی باغ‌ها را هم سیل نبرد.

پشت تاریخ

ایران هم هست!

زمانی که پس از سیل‌های ۱۹۹۸ ممنوعیت ملی درخت‌اندازی به اجرا گذاشته شد. از این رو واردات چوب به چین از زمان ممنوعیت شش برابر افزایش یافته است. چین به عنوان واردکننده الوارهای حاره‌ای از کشورهای هر سه قاره‌ای که در گستره حاره قرار دارند (به‌ویژه از مالزی، گابن، پاپوآ نیوگینه و برزیل)، اکنون دومین مقام را پس از ژاپن دارد که به‌سرعت از آن کشور نیز پیشی می‌گیرد. چین از منطقه معتدله نیز الوار وارد می‌کند؛ خصوصاً از روسیه، نیوزیلند، ایالات متحده، آلمان و استرالیا. با ورود چین به سازمان تجارت جهانی، انتظار می‌رود واردات الوار آن افزایش بیشتری هم پیدا کند. زیرا تعرفه‌ه تولیدات چوبی در آستانه کاهش از ۱۵ تا ۲۰ درصد به دو تا سه درصد است. در نتیجه معنی‌اش این است که چین نیز مانند ژاپن جنگل‌های خودش را حفظ خواهد کرد که اما فقط به بهای صدور جنگل‌زدایی به کشورهای دیگر خواهد بود که بسیاری از آنها (از جمله مالزی، پاپوآ نیو گینه و استرالیا) هم‌اکنون به جنگل‌زدایی فاجعه‌بار رسیده یا در مسیر رسیدن به آن هستند...».

پرسش این است که آیا در ایران این روزنامه‌ها از سوی مقاماتی که امروز تا کمر در آب می‌روند، خوانده شده است؟ اگر نخوانده‌اند، چگونه کسب تخصص کرده‌اند. مسئله جنگل‌زدایی فقط یکی از دلایل سیل‌زایی است. برنامه‌ریزی‌های دفاع شهری، دیواره‌سازی پلکانی رودخانه‌ها، نیاز به صرف درآمد ملی در اجرای پروژه‌های ملی دارد. ساخت کارۍ‌های وسیع در مکان‌هایی که مانند دروازه قرآن نیاز به احداث بزرگراه است و هزاران پروژه اشتغال‌زای آموزشی و کشاورزی و صنعتی اینم دیگر که مستلزم کاهش جاه‌طلبی‌های خارجی و پرداختن به عمران و اقتدار داخلی است تا ناچار نشویم برای جلب محبوبیت تا کمر در سیلاب رویم و نتوانیم پاسخ‌گوی شیون‌های کسانی باشیم که همه چیز خود را از دست داده‌اند!

تجربه دیگران

خطر از دست‌دادن بزرگ‌ترین ثروت اجتماعی

منفی نیست. برای قرن‌ها پیوندهای تجاری-جهانی را تقویت کرده است، کشورها را شکل داده، کوشش انسان‌ها را بیشتر کرده و مهارت‌ها و فرهنگ‌های مشترک در سراسر جهان پدید آورده است. رهبران جهان در اولین پیمان جهانی سازمان ملل متحد در مورد مهاجرت در دسامبر ۲۰۱۸ بر این امر صحه گذاشتند که مهاجرت «منبع رونق، نوآوری و توسعه پایدار در دنیای جهانی‌شده ما است».

داده‌ها نشان می‌دهد که مهاجران سبب رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای مقصد می‌شوند و نیروی کاری ارزشمند و اغلب ضروری هستند. سهم اقتصادی آنها چشمگیر است. سهم مهاجران در تولید ناخالص داخلی ساحل عاج ۱۹ درصد و در رواندا ۱۳ درصد و در آفریقای جنوبی ۹ درصد برآورد شده است. مهاجرت می‌تواند رشد اقتصادی را تقویت کند، شکاف‌های بازار کار را پر کند و فرصت‌های سازنده‌ای برای جمعیت جوان پدید آورد. امروزه ۶۰ درصد جمعیت آفریقا ۲۵ سال سن دارند و تا سال ۲۱۰۰، جمعیت جوان آفریقا دو برابر کل جمعیت اروپا می‌شود. با این حال، مطابقت آموزش و مهارت‌های مورد نیاز کارفرمایان در آفریقا بدتر از هر منطقه دیگر جهان است. پیشرفت فناوری در سال‌های اخیر شغل‌های جدید و مدل‌های تازه کسب‌وکار را ایجاد کرده است. اما جوانان آفریقایی هنوز فرصت چندانی برای بهره‌گیری از این نوآوری در قاره نیافته‌اند. این چالشی بزرگ است که باید به آن توجه کنیم. اگر نتوانیم تحرک اجتماعی را تقویت کنیم، با خطر از دست‌دادن بزرگ‌ترین ثروت خود، یعنی جوانان، روبه‌رو خواهیم شد. امتناع از ایجاد راه‌های قانونی مهاجرت، سیاست‌های نامناسب و ضعف تحرک اجتماعی اغلب سبب می‌شود شبکه‌های تبهکاری بیشتر از دولت‌ها در مهاجرت سود ببرند وقتی مهاجرت به درستی مدیریت نشود، همه ما بازنده هستیم. درآمد قاچاق انسان در سال ۲۰۱۶ بالغ بر هفت میلیارد دلار شده که معادل مبلغی است که ایالات متحده و کشورهای عضو اتحادیه اروپا در همان سال صرف کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی کردند. بشريت همواره در حال حرکت است و مهاجرت در بافت وجودی ما قرار دارد. اگر ما آرزوی تحقق اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ و پایان‌دادن به فقر را داریم، حمایت از مهاجرت به جای جلوگیری از آن، ضرورت پیدا می‌کند. مهاجرت نباید ممنوع شود، بلکه باید بهتر مدیریت شود.

اتفاق

اتریش مستقر است، اعلام کرد این ۴۳ حیوان در رفح، جنوب غزه، در «شرایطی وحشتناک» به سر می‌برند و احتمال داشت به علت گرسنگی و عدم رسیدگی بمیرند. البته مسیر ۳۰۰ کیلومتری طی‌شده تا منطقه‌ای در اردن تمام مسیری نیست که تعدادی از این حیوانات طی کرده‌اند. به گفته این سخنگو، دو شیر از این میان قرار است در نهایت به آفریقای جنوبی ارسال شوند.

اخراج اجباری از باغ‌وحش

بیش از ۴۰ حیوان که در باغ‌وحشی در غزه نگهداری می‌شدند، به علت شرایط نامناسب و خطر گرسنگی به اردن منتقل شدند. به گزارش گاردین، این حیوانات شامل چند شیر، میمون، طوطی، شترمرغ و یک کفتار روز یکشنبه به کشور اردن فرستاده شدند. سخنگوی سازمانی که مسئولیت این جابه‌جایی را برعهده داشته و در وین می‌توان بهتر عمل کرد. مهاجرت پدیده‌ای ذاتا